

مجله علوم تربیتی و روانشناسی
دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۰
دوره سوم، سال هشتم، شماره‌های ۱ و ۲
صص: ۹۸-۷۳

بررسی و مقایسه انواع هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید چمران اهواز

دکتر حسین شکرکن *

دکتر مرتضی امیدیان **

دکتر بهمن نجاریان *

دکتر جمال حقیقی *

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی وضعیت هویت از نظر نحوه توزیع افراد در چهار حالت هویت سردرگم، زود هنگام، مهلت خواه و کسب شده در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز طراحی و اجرا شد. فرضیه اصلی این پژوهش یعنی تفاوت معنی دار در فراوانی چهار نوع هویت ذکر شده در کل نمونه و دانشجویان دختر و پسر با استفاده از روش آماری مجذور خی مورد تحلیل قرار گرفت و فرضیه پژوهشی در کل نمونه و در دانشجویان دختر و پسر تأیید گردید. همچنین در ابعاد هویت - اعتقادی و روابط بین فردی در کل نمونه و دانشجویان دختر و پسر تأیید گردید. نتایج با توجه به دیدگاه اریکسون و ماریسا مورد بحث قرار گرفت.

کلید واژگان: هویت سردرگم، هویت زود هنگام، هویت مهلت خواه، هویت کسب شده، بعد اعتقادی هویت، بعد روابط فردی هویت

* عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز
** دکتری روانشناسی از دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

برداشت می‌شود که اگرچه تداوم هویت در گستره زندگی یک فرد دیده می‌شود. با وجود این، بحران هویت بیشتر در سالهای نوجوانی و در دوران تحصیلات دانشگاهی در فرد ظاهر می‌شود.

هویت کسب شده مستلزم ارزیابی فرد از تواناییها و ناتوانیهای شخصی و چگونگی ترتیب آنهاست. فرآیند «هویت‌جویی» در یک نوجوان زمانی به هدف می‌رسد که نوجوان بتواند بگوید: «من کیستم» و رویکرد او متوجه آینده باشد. نوجوان به این هدف نائل نمی‌شود مگر آن که به نظام ارزشی، مذهب و عقاید سیاسی و اهداف حرفه‌ای متعهد شود و در رابطه با زندگی خود شروع به ایجاد یک فلسفه برای زندگی خود کند (کانسر^۲، ۱۹۹۶).

بدون شک بخشی از این توجه در زمان ما، مرهون نوشته‌های اریکسون (۱۹۶۸-۱۹۵۹) در این زمینه می‌باشد. در این بخش با تعریف هویت از دیدگاههای مختلف به بررسی ابعاد مختلف آن می‌پردازیم.

تعریف هویت در روانشناسی

ارائه یک تعریف جامع و دقیق از هویت کار آسانی نیست. با توجه به این موضوع در

هویت و نحوه شکل‌گیری آن از موضوعاتی است که مورد علاقه بسیاری از حوزه‌های علمی همچون روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و حتی ادبیات و هنر می‌باشد. از دیدگاه روانشناسی موضوع هویت در شاخه‌های مختلفی چون روانشناسی اجتماعی، روانشناسی رشد، روانشناسی مرضی، و روانشناسی شخصیت مورد بحث قرار گرفته است. این موضوع از یک طرف نشان‌دهنده اهمیت موضوع و از طرف دیگر نشانه‌ای از وسیع بودن حوزه مورد بررسی می‌باشد. به کمک هویت است که افراد به تعریفی از خویشتن می‌رسند که اگر این تعریف با واقعیت اجتماعی آنها در تعارض باشد، حالتی چون عدم پختگی، فشار روانی و مشکلات رفتاری را تجربه می‌کنند.

وجود این رفتارها در سالهای پایانی نوجوانی و اوایل جوانی از نظر بسیاری از روانشناسان، نشان دهنده تلاش طبیعی افراد به منظور پیدا کردن یک تعریف از خود و به عبارت دیگر هویت یابی می‌باشد. یکی از روانشناسان که به صورتی وسیع و بنیادی به موضوع هویت پرداخته است اریکسون^۱ (۱۹۶۸) می‌باشد. از نظریه اریکسون چنین

1- Erikson

2- Klanser

چگونگی ارزیابی خود، برداشت از نقش جنسی به عنوان یک مرد یا زن، ویژگی حرفه‌ای مانند موسیقیدان، ورزشکار، معلم و...، طبقه اجتماعی و نژادی، گرایش سیاسی و مذهبی خود را تعریف می‌کنیم. این تعریف هویت اجتماعی ماست که بر نحوه روابط ما با دیگران اثر می‌گذارد و با تغییر زمینه اجتماعی دچار دگرگونی می‌شود.

از نظر لپ^۱ (۱۹۶۹) هویت شامل تمامی چیزهایی می‌شود که در طول زمان و به صورتی معتبر درباره فرد اطلاعات به دست می‌دهند، مثل نام او، شخصیت او، موقعیت او، زندگی گذشته‌اش و... او به اهمیت متن و شرایط اجتماعی در این خصوص اشاره می‌کند و می‌گوید اگر متن و شرایط اجتماعی فاقد ثبات و غیرقابل اعتماد باشند افراد نمی‌توانند در طول زمان به صورت با ثباتی از خود سخن بگویند.

در مطالعه شخصیت انسان هویت یک جنبه اساسی و درونی است که به کمک آن یک فرد با گذشته‌اش مرتبط شده و احساس تداوم و یکپارچگی در زندگی می‌کند. به عبارت

ششمین کنفرانس «جامعه پژوهش برای تشکیل هویت»^۱ (SRIF، ۱۹۹۹)، یکی از محورهای بحث، پیدا کردن فرآیندهایی بود که به ارائه تعاریف مناسب منجر می‌شود و موضوع یکپارچه سازی تعاریف متعدد و پراکنده از هویت مورد بحث قرار گرفت. مارشال^۲ (۱۹۹۹) ناهماهنگی در تعاریف ارائه شده را به دلیل طبیعت این سازه می‌داند که دارای اجزای متعدد است و به این دلیل توصیف دقیق هویت و هماهنگی میان این تعاریف را با دشواری روبرو می‌سازد. از نظر او پژوهشهای انجام شده در این حوزه بیشتر روی یک یا دو فرآیند تأکید می‌کنند و تأکید نامتوازن بر فرآیندهای هویت از ایجاد یک دیدگاه یکپارچه که برای یک تعریف یکپارچه از هویت ضرورت دارد جلوگیری می‌کند.

در این قسمت به اختصار به تعریف هویت از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، رشد، سازگاری و شخصیت پرداخته می‌شود. از نظر بارون و برن^۳ (۱۹۹۷)، از سالهای نخست زندگی‌مان، در خصوص این موضوع که کی هستیم یادگیریهای ما شروع به شکل گرفتن می‌کنند. با گذشت زمان، به این نتیجه می‌رسیم که چه کسی هستیم و در رابطه با موضوعات بی‌مانندی که به خودمان اختصاص دارد مانند:

1- Society for research on identity formation

2- Marshal 3- Baron & Byrne

4- Klapp

دیگر، هویت مفهوم ذهنی یک فرد از خودش می‌باشد و با عناوین مختلفی چون هویت جنسی، هویت گروهی، هویت نژادی و... مورد استفاده قرار می‌گیرد (ریبر^۱، ۱۹۸۵).

اریکسون (۱۹۶۵) کارکرد هویت را ایجاد هماهنگی میان تصور فرد از خودش به عنوان یک فرد بی نظیر و دارای ثبات و تصور دیگران می‌داند. از نظر اریکسون «هویت پاسخ به این سؤال است که من کیستم؟» از دیدگاه او نوجوانان و بزرگسالانی که احساس هویت در آنها قوی است، خود را افرادی متمایز و مستقل از دیگران می‌دانند. تلاش‌های اریکسون برای روشن کردن موضوع هویت از دیدگاه نظری موجب شده است تا نام این نظریه پرداز با هویت مترادف شود. او در کتاب خود با عنوان هویت، جوانان و بحران^۲، به این موضوع اشاره می‌کند که درست است که واژه هویت نخستین بار توسط من به کار گرفته شد ولی این موضوع به صورت ضمنی، از سالها پیش مورد توجه قرار گرفته بود.

حالت‌های هویت از نظر ماریسیا

بر اساس مفهوم هویت اریکسون یعنی «هویت در برابر سردرگمی در نقش»، ماریسیا^۳ (۱۹۶۶، ۱۹۸۰) با استفاده از مصاحبه نیمه

سازمان یافته، الگوهای چندگانه‌ای را مشخص کرد که در سنین ۱۸-۲۵ سالگی (سالهای تسهیل در دانشگاه) موضوع تلاش هویت‌یابی جوانان است.

مارسیا از دانشجویان خواست تا به سؤالهایی درباره نگرشها، ارزشها و اهداف خودشان در مورد شغل، مذهب و سیاست پاسخ دهند. در آغاز نمونه او به دانشجویان مرد محدود می‌شد ولی در مطالعات بعدی آن را به دانشجویان زن نیز تعمیم داد. بر اساس نتایج به دست آمده حالت‌های هویت زیر را مطرح کرد:

۱. هویت سردرگم^۴، این افراد هنوز بحران هویت را تجربه نکرده‌اند و تعهد به یک شغل و یا مجموعه‌ای از عقاید در آنان ایجاد نشده است. تعهد به یک نظام ارزشی در آنها دیده نمی‌شود و به شدت تأثیرپذیر هستند و نسبت به انواع تجارب حالت پذیرندگی دارند. این افراد فاقد نوعی احساس کلی از هویت هستند و به سادگی نظراتشان درباره خودشان تغییر می‌کنند و در رابطه با بازخورد دیگران نسبت به خودشان به شدت آسیب‌پذیر هستند و این موضوع که دیگران درباره آنها چگونه نظری

1- Reber

2- identity, youth and crisis

3- Marcia

4- Identity diffusion

- دارند، برایشان خیلی مهم است.
۲. هویت زودهنگام^۱، این افراد هنوز یک بحران هویت را تجربه نکرده‌اند، اما به مجموعه‌ای از ارزشها بر اساس تصمیم دیگران (معمولاً والدین خود) متعهد شده‌اند. موئوس^۲ (۱۹۸۸) این حالت را چنین توصیف می‌کند: این افراد تمایل دارند دوستان صمیمی والدین خود باشند. به عنوان نمونه، وقتی از یک جوان سؤال شد که «می‌خواهی چه کاره شوی؟» پاسخ داد: «دندانپزشک» و وقتی دلیل این انتخاب از او سؤال شد، پاسخ او چنین بود: «زیرا پدرم یک دندانپزشک است».
- برای فردی با هویت زودهنگام دانشگاه فرصتی برای اکتشاف موقعیتهای حرفه‌ای تازه نیست، بلکه فرصتی برای تحقق اهداف والدین است. اگر چه در سالهای تحصیل این گروه بالاترین معدل را دارند اما به نظر موئوس (۱۹۸۸)، شخصیت آنها غیرقابل انعطاف توصیف می‌شود که از تعارضات دوری می‌کنند. این افراد قبل از آن که تحت تأثیر ارزشیابیهای شخصی خود قرار گیرند، تحت تأثیر ارزشیابیهای دیگران و به ویژه افراد مهم قرار می‌گیرند. از نظر موئوس (۱۹۸۸) این افراد در برابر بحرانهای بعدی در زندگی آسیب‌پذیر هستند.
۳. هویت مهلت خواه^۳، در مطالعه موئوس (۱۹۸۸) ۳۰ درصد از دانشجویان هویت مهلت خواه داشتند. افرادی که دارای این نوع هویت هستند بر اساس اهداف خود، فعالانه در جستجوی هویت خود بوده و به دنبال رسیدن به تعهد در رابطه با اهداف انتخابی خود هستند. این گروه اغلب به «نظم و نظامهای شناخته شده» حساس و نامطمئن هستند. آنها هر چه را می‌بینند به مبارزه طلبیده و ظرفیت بالایی برای شناسایی مشکلات دارند. چیزی که این گروه را از افراد دارای هویت کسب شده متمایز می‌کند، ناتوانی آنها برای انتخاب و پیدا کردن موارد جایگزین برای مواردی است که به نظر آنها دارای نقص است. از نظر موئوس (۱۹۸۸) دلیل این موضوع آن است که این گروه فاقد یک ویژگی اساسی هستند که برای هویت ضروری است و آن «رضایت به مصالحه است».
- از نظر موئوس (۱۹۸۸) هویت مهلت خواه یک مرحله ضروری برای هویت کسب شده است. و به این دلیل بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت امریکا بر این موضوع تأکید

1- identity foreclosure
2- Muuss
3- identity moratorium

می‌کنند که جامعه باید برای جوانان فرصت اکتشاف و جستجوی همراه با لذت و بدون فشار را فراهم آورد.

۴. هویت کسب شده^۱، این افراد از نظر ماریسیا، بحران هویت را تجربه کرده و آن را به خوبی حل کرده‌اند، و تعهدی نسبتاً پایدار را در خود ایجاد کرده‌اند. دانشجویانی که هویت کسب شده دارند، در خودشان احساس هماهنگی^۲ می‌کنند و ظرفیتهای و محدودیتهای خود را می‌پذیرند (موثوس، ۱۹۸۸).

تعریف مسأله

پژوهش حاضر می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که دانشجویان به عنوان افرادی که در شرایط سنی خاصی هستند و دوران نوجوانی را پشت سر گذاشته‌اند، از نظر وضعیت هویت خویشتن با توجه به دیدگاه ماریسیا (۱۹۶۶) در چه وضعیتی هستند. به عبارت دیگر، با توجه به چهار وضعیت مطرح شده توسط ماریسیا (هویت سردرگم، هویت زود هنگام، هویت مهلت خواه و هویت کسب شده) در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز کدام نوع هویت فراوانی بیشتری دارد و در این خصوص چه تفاوتی میان دختران و پسران وجود دارد؟

علاوه بر این، به این پرسش نیز پاسخ داده می‌شود که آیا در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی به عنوان دو خرده مقیاس عمده از چهار حالت هویت وضعیت افراد در کل و در دانشجویان دختر و پسر به تفکیک چگونه است، و آیا در این دو بعد تفاوتی در حالت‌های هویت وجود دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا تعداد افرادی که در بعد اعتقادی دارای هویت کسب شده هستند در مقایسه با افرادی که هویت مهلت خواه، هویت زود هنگام و یا هویت سردرگم دارند با هم متفاوتند. همچنین آیا تعداد افراد در هر یک از چهار حالت کسب شده، مهلت خواه، زود هنگام و سردرگم در بعد روابط بین فردی با هم تفاوت دارند یا خیر؟

اجرای پژوهش حاضر از دو نظر اهمیت دارد، از دیدگاه نخست موضوع هویت و چگونگی گذار از آن به عنوان یکی از نظریه‌های مطرح رشد مورد توجه است و از دیدگاه نظری توصیف و مفهوم سازی آن در کشور ما ضرورتی انکارناپذیر دارد. در رابطه با دیدگاه ماریسیا از سال ۱۹۶۶ تاکنون پیرامون موضوع هویت و عوامل مرتبط با آن پژوهش‌های متعددی در کشورهای مختلف بر

1- identity achieved

2- Harmony

روی دانشجویان و دانش‌آموزان سالهای آخر دبیرستان صورت گرفته است. نظر او تا حدودی در ارائه یک الگوی عملی از نحوه هویت‌یابی که از پر نفوذترین مباحث مطرح شده توسط اریکسون می‌باشد، یک نظر غالب و مطرح در موضوع هویت‌یابی می‌باشد.

فرضیه‌های تحقیق

۱. دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز در هویت‌های چهارگانه سردرگم، زود هنگام، مهلت خواه و کسب شد از لحاظ فراوانی با یکدیگر تفاوت دارند.

۱-۱. دانشجویان پسر دانشگاه شهید چمران اهواز در هویت‌های چهارگانه سردرگم، زود هنگام، مهلت خواه و کسب شد از لحاظ فراوانی با یکدیگر تفاوت دارند.

۱-۲. دانشجویان دختر دانشگاه شهید چمران اهواز در هویت‌های چهارگانه سردرگم، زود هنگام، مهلت خواه و کسب شد از لحاظ فراوانی با یکدیگر تفاوت دارند.

الف-۱. دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز در بعد اعتقادی هویت‌های چهارگانه از لحاظ فراوانی با یکدیگر تفاوت دارند.

الف-۱-۱. دانشجویان پسر در بعد اعتقادی هویت‌های چهارگانه از لحاظ فراوانی با یکدیگر تفاوت دارند.

الف-۱-۲. دانشجویان دختر در بعد اعتقادی هویت‌های چهارگانه از لحاظ فراوانی با یکدیگر

بنابراین، از دیدگاه نظری مشخص کردن وضعیت هویت خویشتن و بررسی انطباق دیدگاه او با شرایط فرهنگی ایران با توجه به فقدان پژوهش عمیق و اساسی در موضوع هویت‌یابی و گونه‌های هویت یک ضرورت نظری انکارناپذیر است و می‌تواند اساسی برای بسیاری از پژوهش‌های بعدی در کشور ما باشد.

از طرف دیگر، با توجه به جوان بودن کشور ما ضرورت شناخت بهتر جوانان و نحوه برخورد با آنها و پیش‌بینی ویژگی‌های آنها با توجه به نوع هویت همگی بر این موضوع مهر تأیید می‌زنند که باید هویت خویش و متغیرهای مرتبط با آن مورد بررسی دقیق قرار گیرند و با شناخت ویژگی‌های مرتبط با هویت و نحوه تغییرپذیری آنها با توجه به گونه‌های هویت، امکان برنامه‌ریزی مطلوب برای جوانان فراهم گردد. آگاهی مسئولین فرهنگی از وضعیت هویت جوانان در حوزه‌های روابط

تفاوت دارند. با موضوع جنسیت هستیم. با وجود این تغییرات و تفاوتها، باز شاهد این موضوع هستیم که به دلیل تفاوت جسمی و روانشناختی در دختران و پسران نحوه هویت‌یابی آنها با هم متفاوت است. این موضوع که چگونه یک زن خود را با تقاضاها و تواناییهای ساختار زیستی و محیطی تعریف می‌کند یک جنبه اساسی از مشکلات هویت زنان است (مارسیا و فریدمن^۱، ۱۹۷۰). بر این اساس فریدمن به اعتباریابی روش مارسیا برای اندازه‌گیری هویت در زنان اقدام کرده است.

به نظر اریکسون (۱۹۶۸) برای یک زن، مراقبت از فرزند، عشق ورزیدن و دوست داشتن و تعهد به خانواده از مسائل مهمی است که با هویت یک زن مرتبط است. از نظر او تفاوت در نقشها و هویت‌یابی در زن و مرد به سه عامل مربوط می‌شود: الف. عامل بدنی که به تفاوت‌های جسمی و هورمونی در زن و مرد مربوط می‌شود. ب. عامل روانی که به تفاوت‌های شناختی و عاطفی در دو جنس مربوط می‌شود. ج. و بالاخره عامل سیاسی - اجتماعی که به تفاوت‌های ناشی از شرایط

ب-۱. دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز در بعد روابط بین فردی هویت‌های چهارگانه از لحاظ فراوانی با یکدیگر تفاوت دارند. ۱-ب-۱. دانشجویان پسر دانشگاه شهید چمران اهواز در بعد روابط بین فردی هویت‌های چهارگانه از لحاظ فراوانی با یکدیگر تفاوت دارند. ۲-ب-۱. دانشجویان دختر دانشگاه شهید چمران اهواز در بعد روابط بین فردی هویت‌های چهارگانه از لحاظ فراوانی با یکدیگر تفاوت دارند.

بدون شک یکی از اجزاء هویت در آدمی جنسیت و نقشهایی است که با آن ارتباط دارد. دیدگاه سنتی روانکاوی با روانشناسی زن به گونه‌ای برخورد می‌کند که فقدان آلت مردانگی را یک عامل مهم در پویایی روانی و شرایط آسیب‌زای آنها می‌داند. اما اریکسون، بر فضای بارور درونی^۱ تأکید می‌کند و معتقد است که برای زنان غیر نوروپیک این موضوعی مهمتر است تا فقدان آلت مردانگی. از نظر اریکسون (۱۹۶۸)، با توجه به اشتغال زنان در دنیای کنونی و پیشرفتهای تکنولوژیکی و فرهنگی، شاهد تغییر نقشهای مادرانه و پدرانه به عنوان دو نقش مهم مرتبط

1- Productive inner language

2- Friedman

فرهنگی و اجتماعی و نقش زن و مرد در جوامع مختلف مربوط می‌شود.

برای اغلب دختران جوان این سؤال مطرح است که آیا می‌توانند قبل از آگاهی از خصوصیات همسر آینده خود یک هویت مستقل داشته باشند. این پرسش به این دلیل برای دختران جوان مطرح است که بخشی از هویت زنان با ازدواج و زاد و ولد معنی پیدا می‌کند. به این دلیل مسیر هویت یابی برای مردان و زنان متفاوت است. در حالی که مردان پس از رسیدن به یک هویت ازدواج می‌کنند ولی زنان پس از ازدواج به هویت واقعی خود می‌رسند (اریکسون، ۱۹۶۸).

شمار روزافزونی از پژوهش‌های مربوط به نقش جنسی به این اشاره دارند که نوجوانان پسر و دختر فرآیند هویت یابی را در شرایط کاملاً یکسان طی نمی‌کنند (کاتز^۱، ۱۹۷۹). این مطالعات اشاره به این دارند که در حالی که هویت حرفه‌ای برای مردان در سالهای آخر دبیرستان یک موضوع مهم و برجسته است ولی برای زنان موضوع مهم روابط بین فردی است (دووان و آدلسون^۲، ۱۹۶۶؛ مارسیا، ۱۹۸۰؛ جسلسون و همکاران^۳، ۱۹۷۷).

به نظر گلدنبر^۴ (۱۹۸۶)، تفاوت در نحوه هویت‌یابی زنان و مردان به سالهای دانشگاه

محدود نمی‌شود، بلکه ناشی از الگوهای متفاوت اجتماعی شدن برای زنان و مردان در فرهنگ اکثر جوامع است. به نظر او علاوه بر این در رابطه با «سهولت» رسیدن به یک هویت کسب شده با هم تفاوت دارند. دلیل این امر آن است که کسب یک هویت متمایز از دیگران در حوزه‌های مختلف و به ویژه عقاید فردی از طریق عبور از مرحله بحران و تعارض صورت می‌گیرد، و برای زنان، تعارض دشواری بیشتری را ایجاد می‌کند تا مردان، به ویژه آن‌که الگوی رایج اجتماعی شدن در فرهنگ ما شرکت در تعارض را برای مردان بیش از زنان مورد تأیید قرار می‌دهد.

زنان این هراس را دارند که مبادا حالت بحرانی آنها با اعتراض دیگران مواجه شود زیرا چهره یک زن آرمانی، داشتن ویژگیهای پذیرندگی، ارتباط و مراقبت است، و این با تعارض و بحران در تضاد است (گیلیگان^۵، ۱۹۸۲). از سوی دیگر به نظر شماری دیگر از نویسندگان مانند اورلوفسکی^۶ (۱۹۷۷) و مارسیا (۱۹۶۷) تفاوتی در فرآیند هویت‌یابی زنان و مردان وجود ندارد. با توجه به شرایط

1- Katz

2- Douvan & Adelson

3- Jesselsoon et al 4- Goldhaber

5- Gilligan

6- Orlofski

بر اهمیت نقش هنجارهای فرهنگی در فرآیند رشد هویت جنسی تأکید می‌کنند. به نظر بلاک هر فرهنگی برای یک زن و مرد آرمانی ایده‌آل یک تعریف ارائه می‌دهد که براساس آن رشد نقش جنسی در افراد آن جامعه درونی می‌شود. از آنجا که ریشه فرهنگی و نژادی به عنوان عوامل تعیین کننده رشد خویشتن و رشد جنسی مطرح باشند، ضرورت دارد تا به اثرهای این دو عامل به صورت جدا و به صورت تعاملی در فرآیند رشد توجه شود. گراتونت و توریک^۶ (۱۹۸۲) نشان دادند که رابطه نزدیکی بین خصوصیات مردانه و هویت شغلی و حرفه‌ای وجود دارد. خصوصیات زنانه بیشتر با هویت بین فردی رابطه داشتند.

از نظر فرایند هویت یابی چندین پژوهش این موضوع را عنوان می‌کنند که زنان بیشتر با روابط بین فردی و مردان با حوزه‌های اعتقادی و شغل ارتباط دارند (اریکسون، ۱۹۶۸؛ دووان و ادلسون، ۱۹۶۶؛ لاوویی، ۱۹۶۷).

به نظر می‌رسد که در سه مقوله زیر هویت زنان

فرهنگی و نقش آن در فرآیند هویت یابی ارائه یک نظر قطعی در این رابطه تاکنون امکان پذیر نبوده است. گراتونت و همکاران^۱ (۱۹۸۲) با بررسی تفاوت جنسی در ایجاد هویت حرفه‌ای در ۴۱ پسر و ۴۳ دختر در سالهای سوم و چهارم دبیرستان به نتایج زیر رسیدند:

جستجو و اکتشاف حرفه‌ای بیشتر با زنانگی مرتبط بود و تعهد حرفه‌ای با مردانگی رابطه داشت. هویت شغلی به صورت مثبت با مردانگی و به صورت منفی با رقابت رابطه داشت.

در یک مطالعه روی بر ۱۲۰۷ دانش‌آموز در سال آخر دبیرستان، تزوریل^۲ (۱۹۸۴) با استفاده از مقیاس هویت خویشتن نو جوانان^۳ به بررسی روابط جنسیت و نژاد با مقادیر هویت پرداخت. نتایج نشان دادند که نوع نقش جنسی به صورت معنی داری با هر کدام از حالت‌های هویت رابطه داشت. نوجوانان دارای نقش جنسی آندروژن بالاترین تعداد را داشتند و پس از آن به ترتیب تیپهای مردانه، زنانه و نامتمایز قرار داشتند. پسران، دختران، شرقیها و غربیهای ساکن کشور محل پژوهش نیز در مقادیر مورد اندازه‌گیری با هم تفاوت داشتند.

بلاک^۴ (۱۹۷۳) و همچنین پلک^۵ (۱۹۷۶)

1- Grotvant, et al. 2- Tzuriel

3- The adolescent Ego Identity Scale (AEIS)

4- Block 5- Pleck

6- Thorbecke

و مردان با هم متفاوت باشند:

۱. فرآیندهایی که طی آن مردان و زنان به تعریفی از خود می‌رسند.

۲. حوزه‌ها و شرایطی که دو جنس تحت آنها به تعریف خود اقدام می‌کنند.

۳. تفاوت‌هایی که ممکن است از نظر زمان طرح موضوع هویت در دو جنس مطرح باشد.

مارسیا (۱۹۸۰) معتقد است که زنان و مردان در تشکیل هویت از نظر فرآیند و عمل به هم شباهت دارند، و اگر تفاوتی در هویت‌یابی وجود داشته باشد بیشتر به حوزه‌ها و موضوعات هویت مربوط می‌شود. چنانچه این باور مطرح است که شغل و عقیده حوزه مردان و روابط بین فردی حوزه زنان است.

و اداره زندگی که از نظر روابط بین فردی در تعریف یک زن از خودش نقش اساسی دارند معتقد است که فرآیند هویت‌یابی در زنان ممکن است طولانی‌تر از مردان باشد.

سالی آرچر^۱ (۱۹۸۹) در سه مطالعه جداگانه ولی شبیه به هم نشان داد که در مجموع هویت‌یابی مردان و زنان شبیه به یکدیگر است. به نظر او فرآیند هویت در دو جنس شبیه هم است جز آن که سبک هویت زود هنگام برای مردان به صورت معنی‌داری بیشتر است. نتایج بررسی‌های او نشان داد که در حوزه اعتقادی و سیاسی، مردان بیشتر احتمال دارد زود هنگام و زنان سردرگم باشند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و علی پس از وقوع است و با هدف شناخت وضع موجود از وضعیت هویت‌یابی و ارائه یک تصویر روشن از آن طراحی شده است. به این منظور به دانشجویان آزمون هویت بنیون و آدامز^۲ (۱۹۸۶) که حالت‌های مختلف هویت را در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی اندازه‌گیری می‌کند، ارائه شد. به کمک این آزمون امکان طبقه‌بندی

اریکسون (۱۹۶۸) معتقد است که در بسیاری از زنان هویت با جذابیت و انتخاب مرد مورد علاقه خود معنی پیدا می‌کند. مارسیا (۱۹۸۰) این موضوع را مطرح می‌کند که پسرها اغلب در زندگی خود دچار تعارضات بین فردی می‌شوند، در مقابل یک دختر همیشه از نظر بیرونی خود را شخصی قابل قبول نشان می‌دهد و دارای مهارت در روابط بین فردی است. مارسیا (۱۹۸۰) به دلیل رویارویی زنان با مفاهیم ازدواج، تربیت فرزند

1- Sally Archer

2- Bennion & Adams

دانشجویان در گروه‌های مختلف از نظر هویت فراهم می‌شود. همچنین با مقایسه حالت‌های هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی در دانشجویان دختر و پسر به بررسی نقش احتمالی جنسیت، در تحول و شکل‌گیری حالت‌های هویت پرداخته می‌شود.

نمونه‌گیری

سوابق پژوهشی در رابطه با دیدگاه مارسیا (۱۹۶۶) نشان می‌دهد که آزمودنی‌هایی که در دامنه سنی ۲۲-۱۶ سال قرار دارند بیش از سایر آزمودنی‌ها در رابطه با هویت یابی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در پژوهش حاضر نیز با توجه به سوابق موجود جامعه دانشجویی که در شرایط مناسب برای تعیین هویت خود قرار دارند به عنوان جامعه هدف انتخاب گردیدند.

الف) جامعه آماری

جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شهید چمران می‌شد که در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند. با هدف همگن بودن گروه مورد مطالعه، از تمامی دانشجویان شاغل به تحصیل در نیمسال‌های مختلف، دانشجویان ورودی ۷۹ به عنوان جامعه آماری اصلی انتخاب گردیدند.

برای دسترسی به فهرست اسامی این جامعه با مراجعه به آموزش کل دانشگاه فهرست اسامی دانشجویان ورودی سال ۷۹ تهیه شد. در مرحله اعتباریابی به عنوان یکی از روش‌های اعتباریابی، به مقایسه حالت‌های هویت در دانشجویان سال‌های دوم و آخر پرداخته شد. به این دلیل در مرحله اعتباریابی از جامعه آماری دانشجویان ورودی سال ۷۷ نیز استفاده شد.

این دانشجویان شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر می‌شدند که در تمامی دانشکده‌های دانشگاه شهید چمران اهواز به تحصیل مشغول بودند.

ب) حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

حجم نمونه در مرحله اعتباریابی ۱۰۰ دانشجوی دختر و پسر از دانشکده‌های مختلف در نظر گرفته شد. از این گروه تقریباً نیمی از آنها ورودی سال ۷۷ و نیمی ورودی ۷۹ در نظر گرفته شد. در عمل با توجه به مشکلات اجرایی تعداد ۹۷ پرسشنامه در مرحله اعتباریابی جمع‌آوری شد. از ۹۷ پرسشنامه جمع‌آوری شده تعداد ۵۱ مورد به مردان و ۴۶ مورد به زنان مربوط می‌شد و در رابطه با سال‌های ورود نیز تعداد ۴۶ مورد مربوط به دانشجویان ورودی سال ۷۷ و ۵۱ مورد به

دلیل بی دقتی در تکمیل پرسشنامه در بیش از یک طبقه از نظر هویت قرار می‌گرفتند، و به این دلیل این گروه نیز حذف گردیدند و ۱۱۳ نفر باقیمانده که با توجه به ملاکهای مورد نظر پژوهش دارای هویت متمایز بودند از لحاظ آماری مورد تحلیل قرار گرفتند.

ابزار تحقیق

به منظور جمع آوری اطلاعات به جز اطلاعات مربوط به معدل نیمسال قبلی دانشجویان و معدل کل آنها که از اداره کل آموزش اخذ گردید، سایر اطلاعات به وسیله آزمونهای کتبی که توسط خود آزمودنیها تکمیل می‌شد، جمع آوری گردید. نخست به معرفی آزمونهای به کار گرفته شده در این پژوهش که به منظور اعتباریابی آزمون هویت بنیون و آدامز (۱۹۸۶) که برای نخستین بار در پژوهش فعلی در جامعه آماری مورد پژوهش به کار گرفته شد، پرداخته می‌شود.

بنیون و آدامز (۱۹۸۶) به منظور بالا بردن قدرت تشخیص آزمون اول خود، شکل گسترش یافته اندازه‌های عینی از هویت خویشتن^۱ EOM-EIS (۱۹۸۴) را در مواد

دانشجویان ورودی ۷۹ مربوط می‌شد. در مرحله اصلی اجرای پژوهش حجم نمونه مشتمل بر ۴۰۰ دانشجوی ورودی سال ۷۹ پیش بینی شده بود، که در دانشکده‌های مختلف دانشگاه شهید چمران اهواز در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند. با توجه به احتمال عدم بازگشت برخی از پرسشنامه‌ها ۴۲۵ پرسشنامه با سه روش دعوت به صورت حضوری، توزیع در خوابگاهها و توزیع در دانشکده‌ها، بین دانشجویان توزیع گردید. از تعداد ۴۲۵ پرسشنامه توزیع شده، تعداد ۳۹۴ پرسشنامه به دست پژوهشگران رسید. به منظور انتخاب دانشجویان از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. افراد نمونه شامل دانشجویان از رشته‌ها و دانشکده‌های مختلف بودند. از مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده با سه روش فوق، ۴۰ پرسشنامه به دلیل نقصهای اساسی در پاسخگویی به پرسشهای مربوط به اندازه‌گیری هویت حذف شدند. از ۳۵۴ پرسشنامه باقیمانده با توجه به ملاکهای نمره‌گذاری در بخش تعاریف عملیاتی متغیرها، ۱۸۹ نفر به دلیل داشتن نمره‌های کمتر از نمره‌های ملاک در هر یک از حالت‌های چهارگانه هویت به عنوان هویت نامتمایز طبقه بندی شدند و از پژوهش حذف گردیدند. همچنین ۵۲ آزمودنی هویت ترکیبی داشتند. یعنی به

1- Extended objective measure of ego identity status

تمایزی، اعتبار-همگرا^۱ و اعتبار همزمان و پیش بین استفاده شد و نتایج نشان دهنده اعتباری قابل قبول برای این آزمون بود.

اعتبار و پایایی آزمون در ایران

طبق بررسیهای به عمل آمده، به صورت حضوری در دانشگاههای تهران، تربیت مدرس و اصفهان تنها سابقه استفاده از این آزمون (EOM-EIS)، در دانشگاه اصفهان دیده شد. آقا سلطانی (۱۳۷۸) در پژوهش خود به منظور بررسی رابطه هویت و اخلاقیات در دانشجویان دانشگاه تبریز از این آزمون استفاده کرده است. در ترجمه این آزمون توسط پژوهشگران و آقا سلطانی، به ویژه در ماده‌های مربوط به قرار ملاقات بین دو جنس^۹ تفاوت‌هایی دیده می‌شود. از طرف دیگر، آقا سلطانی به محاسبه ضرایب پایایی اکتفا نموده است. آقا سلطانی (۱۳۷۸) ضرایب پایایی را با روش تنصیف برای هویت سر درگم ۰/۶۵، هویت زود هنگام ۰/۷۷، هویت مهلت خواه ۰/۶۷ و

مربوط به روابط بین فردی، مورد تجدید نظر قرار دادند، و برای اعتباریابی شکل تازه EOM-EIS اقدام کردند. به منظور تعیین پایایی مواد جدید از ضریب آلفای کرونباخ^۱ (۱۹۵۱) استفاده شد.

همچنین برای اندازه‌گیری اعتبار تمایزی^۲، همزمان و پیش‌بین^۳ از مقیاس هویت و صمیمیت روزنتال و همکاران^۴ (۱۹۸۱)، شکل کوتاه شده مقیاس پذیرش خویشتن برگر^۵ (۱۹۵۱) و مقیاس اقتدارگرایی وبستر و همکاران^۶ (۱۹۵۵) و مقیاس مقبولیت اجتماعی کراون و مارلو^۷ (۱۹۶۰) استفاده شد.

آزمودنیها ۱۰۶ دانشجوی دانشگاه یوتا در درس روانشناسی عمومی و رشد انسان بودند. ۳۸ پسر و ۶۸ دختر در مطالعه شرکت کردند. ۳۷ نفر از این افراد دانشجوی سال اول، ۲۸ نفر دانشجوی سال دوم، ۲۷ نفر دانشجوی سال سوم و ۱۴ نفر دانشجوی سال آخر بودند. پایایی با روش آلفای کرونباخ دامنه‌ای از ۰/۶۰ تا ۰/۸۰ در ۸ خرده مقیاس داشت.

کمترین ضریب برای هویت کسب شده در حوزه روابط بین فردی و بالاترین در حوزه زود هنگام روابط بین فردی بود. به منظور اعتباریابی این آزمون، از روشهای اعتبار

1- Cronbach

2- Discriminant Validity

3- Concurrent & Predictive Validity

4- Rosental

5- Berger

6- Webster

7- Crown & Marlow

8- Convergent validity

9- Dating

هویت کسب شده ۰/۷۶ گزارش داده است. این ضرایب با روش آلفای کرونباخ برای هویت سردرگم ۰/۷۲، هویت زودهننگام ۰/۸۶، هویت مهلت خواه ۰/۶۷ و هویت کسب شده ۰/۷۶ گزارش شده است. در پژوهش حاضر به منظور اعتباریابی این آزمون در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز روابط درونی خرده مقیاسهای مختلف هویت به منظور مشخص کردن اعتبار همگرا و واگرا در کل نمونه و در دختران و پسران به تنهایی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج به دست آمده نشان داد که هویت کسب شده در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی با هم رابطه مثبت معنی دار دارند. همچنین هویت سردرگم و مهلت خواه با هم رابطه مثبت معنی دار دارند و رابطه این متغیرها با هویت کسب شده رابطه ای منفی و معنی دار است. نتایج نسبتاً مشابهی برای آزمودنیهای مرد و زن به تنهایی به دست آمد. در ادامه تحلیلهای اعتباریابی، نتایج آزمون هویت با نمره های دانشجویان در برخی متغیرها که بر اساس پژوهشهای قبلی (مارسیا، ۱۹۶۶؛ مارسیا و همکاران، ۱۹۷۷؛ آدامز و شی، ۱۹۷۹) با انواع حالت های هویت نقاط مشترک دارند، همبسته شدند. عزت نفس با هویت کسب شده در بعد اعتقادی رابطه مثبت

معنی دار دارد ولی رابطه آن با هویت کسب شده در بعد روابط بین فردی اگر چه مثبت است ولی به سطح معنی داری نرسیده است. رابطه این متغیر با هویت سردرگم و مهلت خواه رابطه ای منفی و معنی دار است. جزم اندیشی با هویت کسب شده و زود هنگام رابطه مثبت معنی دار دارد. جایگاه مهار با هویت کسب شده در بعد اعتقادی رابطه مثبت معنی دار و با هویت سردرگم رابطه منفی معنی دار دارد. اضطراب با هویت مهلت خواه و سردرگم رابطه مثبت معنی دار و با هویت کسب شده رابطه منفی معنی دار دارد. نتایج نسبتاً مشابهی با نمونه دانشجویان دختر و پسر به تنهایی به دست آمد. در ادامه اعتباریابی به منظور نشان دادن اثرگذار، با استفاده از ملاکهای نمره گذاری بنیون و آدامز (۱۹۸۹)، تعداد افراد در چهار وضعیت هویت مشخص شدند، و با استفاده از روش مقایسه نسبتها تفاوت وضعیت هویت در دانشجویان ورودی ۷۷ و ۷۹ مورد بررسی قرار گرفت. کاهش معنی دار نسبت دانشجویان هویت های سطح پایین (سردرگم و زودهننگام) در دانشجویانی که زمان بیشتری در دانشگاه حضور داشته اند مؤید این نظر است، که آزمون توانایی تفکیک افراد را از نظر هویت دارد.

روشهای آماری

میانگین و انحراف معیار کل آزمودنیها قبل از مشخص شدن هویت و همچنین فراوانی و درصدهای به دست آمده در رابطه با انواع هویت اقدام می‌گردد و در بخش دوم به ارائه نتایج آزمونهای آماری در رابطه با فرضیه‌های پژوهشی اقدام خواهد شد.

در مرحله اعتباریابی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. در مرحله اصلی نیز از روشهای آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) به منظور مشخص کردن تعداد و درصد افراد در هر یک از حالات هویت و نیز نشان دادن میانگین و انحراف معیار در گروهها و دو جنس مختلف استفاده شد. همچنین از روشهای استنباطی مربع کای (χ^2) برای مقایسه فراوانی افراد در انواع مختلف حالت‌های هویت و دو جنس (پسر و دختر) استفاده شد.

یافته‌های توصیفی

نمره‌های به دست آمده از تمامی آزمودنیها به جز آزمودنیهایی که به دلیل ناقص گذاشتن بخشی از پرسشهای آزمون، حذف شده بودند مورد تحلیل قرار گرفتند و میانگین و انحراف معیار در چهار حالت کلی هویت محاسبه گردید که در جدول شماره ۱ آمده است.

یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، بالاترین میانگین و نقطه برش که از جمع انحراف معیار و میانگین به دست آمده است برابر با $۷۳/۰۸$ و به هویت کسب شده

نتایج به دست آمده در رابطه با نمره‌های آزمودنیها در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش می‌آید. در بخش یافته‌های توصیفی به گزارش

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و مجموع این دو (نقطه برش) در کل نمونه

انواع هویت	نقطه برش	انحراف معیار	میانگین
هویت سردرگم	۵۴/۴۴	۸/۹۲	۴۵/۵۲
هویت زود هنگام	۵۵/۶۸	۱۰/۱۲	۴۵/۵۶
هویت مهلت خواه	۶۵/۵۴	۷/۸۵	۵۷/۶۹
هویت کسب شده	۷۳/۰۸	۸/۴۴	۶۴/۶۴

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار و نقطه برش در انواع هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی

انواع هویت	بعد هویت	نقطه برش	انحراف معیار	میانگین
اعتقادی	سردرگم	۲۸/۷۰	۵/۴۵	۲۳/۲۵
	زود هنگام	۲۸/۲۴	۵/۷۸	۲۲/۴۶
	مهلت خواه	۳۳/۷۹	۴/۹۴	۲۸/۸۵
	کسب شده	۳۶/۰۹	۴/۱۳	۳۱/۹۶
روابط بین فردی	سردرگم	۲۷/۵۶	۵/۳۷	۲۲/۱۹
	زود هنگام	۲۸/۸۷	۵/۶۳	۲۳/۲۴
	مهلت خواه	۳۲/۸۹	۴/۲۰	۲۸/۷۸
	کسب شده	۳۷/۷۷	۵/۰۸	۳۲/۶۹

اختصاص دارد، که میانگین آن ۶۴/۶۴، با انحراف معیار ۸/۴۴ می باشد. پس از آن هویت مهلت خواه با نقطه برش ۶۵/۵۴ برای تعیین نوع هویت، با میانگین ۵۷/۶۹ و انحراف معیار ۷/۸۵ قرار دارد. هویت بعدی از نظر میانگین، هویت زود هنگام با نقطه برش ۵۵/۶۸ و میانگین ۴۵/۴۴ و میانگین ۴۵/۵۲ و انحراف معیار ۸/۹۲ می باشد. در گزارش اعتباریابی بنیون و آدامز (۱۹۸۶) نقطه برش هویت کسب شده ۷۳، هویت مهلت خواه ۶۳، هویت زود هنگام و سردرگم ۵۳ گزارش شده است. نقطه برش انواع هویت برای قرار دادن آزمودنیها در هر یک از انواع هویت به کار رفت. تحلیل‌های مشابهی در رابطه با نمره‌های آزمودنیها در دو خرده مقیاس بعد اعتقادی و

بعد روابط بین فردی روی نمره‌های آزمودنی انجام شد که در جدول شماره ۲ آمده است. همان‌گونه که در جدول شماره ۲ ملاحظه می شود در اینجا نیز بالاترین نمره‌های میانگین به هویت کسب شده در بعد اعتقادی (۳۲/۶۹) و پس از آن به هویت کسب شده در بعد روابط بین فردی (۳۱/۹۶) مربوط می شود. در این دو مورد انحراف معیار به ترتیب برابر با ۵/۰۸ و ۴/۱۳ و نقطه برش معادل ۳۷/۷۷ برای بعد روابط بین فردی و ۳۶/۰۹ برای بعد اعتقادی می باشد. در اینجا نیز هویت مهلت خواه، زود هنگام و سردرگم به ترتیب پس از هویت کسب شده قرار گرفته اند.

با توجه به نقاط برش ذکر شده وضعیت افراد در هر یک از حالت‌های هویت و همچنین

جدول ۳. فراوانی و درصد افراد انواع هویت در کل نمونه، و مردان و زنان به تفکیک

فراوانی و درصد	هویت کسب شده	هویت مهلت خواه	هویت زودهنگام	هویت سردرگم	جمع
فراوانی کل	۳۵	۲۶	۱۷	۲۵	۱۱۳
درصد کل	۳۱	۲۳	۱۵	۳۱	۱۰۰
فراوانی مردان	۱۳	۱۱	۶	۲۱	۵۱
درصد مردان	۱۱/۵	۹/۷	۵/۳	۱۸/۶	۴۵/۱
فراوانی زنان	۲۲	۱۵	۱۱	۱۴	۶۲
درصد زنان	۱۹/۵	۱۳/۳	۹/۷	۱۲/۴	۵۴/۹

در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی مشخص شد. کسانی که در هر یک از این ابعاد و در نمره کل، نمره ای برابر و یا بالاتر از این نقاط به دست آوردند، در آن نوع هویت قرار گرفتند. به عنوان مثال کسانی که مجموع نمره های آنها در سؤالهای هویت سردرگم برابر و یا بیشتر از ۲۷/۷۰ بود به عنوان افراد دارای هویت سردرگم در بعد اعتقادی طبقه بندی شدند. فراوانی و درصد افراد در هر یک از انواع هویت

در جدول شماره ۳ آمده است. همان گونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می شود، در دو خرده مقیاس تعدادی از افراد به دلیل داشتن نمره های کمتر از نقطه برش و یا ترکیبی از حالت های هویت، نامتمایز تشخیص داده شدند. ولی در مجموع هویت کسب شده در وضعیت اعتقادی هم در کل و هم در گروه دانشجویان پسر و دختر بالاترین فراوانی را

در جدول شماره ۳ آمده است. همان گونه که در جدول شماره ۳ ملاحظه می شود، از مجموع ۱۱۳ آزمودنی که دارای هویت متمایز بودند، ۳۵ نفر هویت کسب شده، ۲۶ نفر هویت مهلت خواه، ۱۷ نفر هویت زودهنگام و ۳۵ نفر هویت سردرگم داشتند. از مجموع ۵۱ دانشجوی پسر، ۱۳ نفر

در جدول شماره ۴ آمده است. همان گونه که در جدول شماره ۴ ملاحظه می شود، از مجموع ۱۱۳ آزمودنی که دارای هویت متمایز بودند، ۳۵ نفر هویت کسب شده، ۲۶ نفر هویت مهلت خواه، ۱۷ نفر هویت زودهنگام و ۳۵ نفر هویت سردرگم داشتند. از مجموع ۵۱ دانشجوی پسر، ۱۳ نفر

جدول ۴. فراوانی و درصد انواع هویت در بعد اعتقادی و روابط بین فردی

فراوانی و درصد	بعد هویت	جمع	هویت نامتمایز	هویت کسب شده	هویت مهلت خواه	هویت زودهنگام	هویت سردرگم
فراوانی درصد کل	اعتقادی	۱۱۳ ۱۰۰	۶۱ ۵۴	۲۷ ۲۳/۹	۱۳ ۱۱/۵	۲ ۱/۸	۱۰ ۸/۸
فراوانی درصد مردان	اعتقادی	۵۱ ۴۵/۱	۳۳ ۲۹/۲	۹ ۸	۴ ۳/۵	-	۵ ۴/۴
فراوانی درصد زنان	اعتقادی	۶۲ ۵۴/۹	۲۸ ۲۴/۸	۱۸ ۱۵/۹	۹ ۸	۲ ۱/۸	۵ ۴/۴
فراوانی درصد کل	روابط بین فردی	۱۱۳ ۱۰۰	۶۵ ۵۷/۵	۲۵ ۲۲/۱	۱۷ ۱۵	۵ ۴/۴	۱ ۰/۹
فراوانی درصد مردان	روابط بین فردی	۵ ۴۵/۱	۳۲ ۲۸/۲	۸ ۷/۱	۹ ۸	۱ ۰/۹	۱ ۰/۹
فراوانی درصد زنان	روابط بین فردی	۶۲ ۲۹/۳	۳۳ ۲۹/۳	۱۷ ۱۵	۸ ۷/۱	۴ ۳/۵	-

به تفکیک در دانشجویان پسر و دختر، پس از آن که وضعیت هویت افراد مشخص گردید و موارد نامتمایز و کسانی که در بیش از یک طبقه قرار می‌گرفتند از نمونه کنار گذاشته شدند، با استفاده از روش آماری مجذور خی به تحلیل داده‌ها اقدام شد که نتایج آن در جدول شماره ۵ آمده است.

همان گونه که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، از نظر فراوانی قرار گرفتن در انواع

دارد. این حالت در بعد روابط بین فردی نیز دیده می‌شود، ولی در گروه دانشجویان پسر بالاترین هویت به هویت مهلت خواه مربوط می‌شود. در این بعد کمترین فراوانی به هویت سردرگم مربوط می‌شود.

یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها

به منظور آزمون فرضیه اول یعنی وجود انواع هویت به صورت متمایز در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، به صورت کلی و

جدول ۵. نتایج مجذور خی در رابطه با انواع هویت در کل نمونه و مردان و زنان

گروه‌های مورد بررسی	سطح معنی‌داری	مجذور خی	درجه آزادی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده
کل نمونه	۰/۰۴۸	۷/۸۸۵	۳	۲۸/۳	۳۵
				۲۸/۳	۱۷
				۲۸/۳	۲۶
				۲۸/۳	۳۵
دانشجویان دختر	۰/۰۲۷	۹/۱۵۷	۳	۱۵/۵	۱۴
				۱۵/۵	۱۱
				۱۵/۵	۱۵
				۱۵/۵	۲۲
دانشجویان پسر	۰/۰۲۱	۹/۳	۳	۱۲/۸	۲۱
				۱۲/۸	۶
				۱۲/۸	۱۱
				۱۲/۸	۱۳

حالت‌های چهارگانه هویت با هم تفاوت دارند و توزیع آنها در چهار گروه هویت با هم یکسان نیست. به عبارت دیگر، قرار گرفتن ۳۵ نفر در گروه دارای هویت سردرگم، ۱۷ نفر در هویت زود هنگام، ۲۶ نفر در هویت مهلت خواه و ۳۵ نفر در گروه دارای هویت کسب شده، نشان می‌دهد که تفاوت فراوانی این گروه‌ها معنی‌دار می‌باشد.

این نتیجه مشابه دانشجویان دختر بوده و با توجه به مجذور خی به دست آمده در گروه دانشجویان دختر (۹/۱۵۷) و سطح معنی‌داری به دست آمده (۰/۰۲۷) تفاوت فراوانی افراد در چهار نوع هویت معنی‌دار می‌باشد. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده در گروه دانشجویان پسر، تفاوت فراوانی افراد در هر یک از انواع هویت نیز معنی‌دار می‌باشد.

در رابطه با فرضیه‌های فرعی، یعنی وجود تفاوت در چهار حالت هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی در دانشجویان به طور کلی و در نمونه‌های دختر و پسر به تفکیک، به تحلیل داده‌ها اقدام شد. لازم به تذکر است چون جداسازی و انتخاب افراد بر اساس نمره‌های کلی هویت صورت گرفته بود به این دلیل در خرده مقیاس‌های نوع اعتقادی و روابط بین

جدول ۶: نتایج به دست آمده در رابطه با مقایسه فراوانی انواع هویت در کل و دانشجویان دختر و پسر به

تفکیک

بسمد هویت	گروههای مورد بررسی	سطح معنی داری	مجدور خبی	درجه آزادی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده
اعتقادی	کل نمونه	۰/۰۰۰	۲۵/۰۷	۳	۱۳	۱۰
					۱۳	۲
					۱۳	۱۳
					۱۳	۲۷
	دانشجویان پسر	۰/۰۲	۸/۳۳	۳	۶	۵
					۶	۰
					۶	۴
					۶	۹
	دانشجویان دختر	۰/۰۰۱	۱۷/۰۵	۳	۸/۵	۵
					۸/۵	۲
					۸/۵	۹
					۸/۵	۱۸
روابط بین فردی	کل نمونه	۰/۰۰۰	۳۰/۳۳	۳	۱۲	۱
					۱۲	۵
					۱۲	۱۷
					۱۲	۲۵
	دانشجویان پسر	۰/۰۰۸	۱۱/۹۴	۳	۴/۸	۱
					۴/۸	۱
					۴/۸	۹
					۴/۸	۸
	دانشجویان دختر	۰/۰۰۰	۲۲/۸۸	۳	۷/۲۵	۰
					۷/۲۵	۴
					۷/۲۵	۸
					۷/۲۵	۱۷

فردی به دلیل نمره کمتر از نقطه برش و یا نمونه هستیم که در جدول شماره ۶ آمده‌اند. هویت‌های تکراری در هر یک از انواع اعتقادی و همان‌گونه که در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود، در تمامی موارد توزیع فراوانی افراد روابط بین فردی شاهد موارد حذف شده از

در انواع هویت در بعد اعتقادی با هم تفاوت معنی دار دارد. تنها در حوزه اعتقادی در دانشجویان پسر تفاوت در فراوانی سه حالت از چهار حالت هویت معنی دار نیست و توزیع در حالت‌های هویت یکسان است و یک نوع هویت بر دیگر انواع از نظر فراوانی برتری ندارد. از نظر فراوانی در بعد روابط بین فردی در انواع هویت نیز تفاوتها معنی دار می‌باشند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده در رابطه با فرضیه مربوط به تفاوت در فراوانی دانشجویان در هویت‌های مختلف در کل نمونه و دانشجویان پسر و دختر مورد تأیید قرار گرفت به عبارت دیگر، با توجه به موضوع تفاوت‌های فردی این انتظار که دانشجویان فرآیند هویت یابی یکسانی را طی نمی‌کنند و توزیع آنها در انواع حالت‌های چهارگانه هویت یکسان نمی‌باشد، تأیید گردید.

از سوی دیگر، این نتیجه توانایی ابزار موجود را به منظور تفکیک افراد با توجه به حالت هویت آنها نشان می‌دهد. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده در رابطه با معنی داری تفاوت در حالت‌های هویت در کل نمونه و دانشجویان دختر و پسر، یکسان بودن

فرآیند هویت‌یابی در مردان و زنان را مورد تأیید قرار می‌دهد و از دیگر سو، ضرورت مطالعات بیشتر در این خصوص را تارسیدن به یک نتیجه قابل قبول خاطر نشان می‌سازد. نکته در خور تأمل در رابطه با هویت افراد، فراوانی بالا و نسبتاً مشابه افراد در دو هویت سردرگم و هویت کسب شده به عنوان دو نوع هویت بالا و پایین بودند. این نتیجه به این صورت می‌تواند تبیین شود که با توجه به دیدگاه مارسیا (۱۹۶۶، ۱۹۸۰) محیط دانشگاه و ۲ سال حضور در آن فرصتی است تا هویت‌های زودهنگام کسب شده از جانب اشخاص مهم زندگی افراد مانند والدین به هویت کسب شده تبدیل گردند. انتظارات جامعه و شرایط جدید زندگی و آزادی عمل جوان در این جهت بدون اثر نمی‌باشد. از طرف دیگر، فروپاشی بسیاری از نگرش‌های پیشین نوجوان و جوان به دلیل قرار گرفتن در محیطی تازه موجب ایجاد سردرگمی در افراد می‌شود و دلیل فراوانی این نوع هویت در گروه مورد مطالعه نیز می‌تواند چنین تبیین گردد. البته در شرایطی که محیط به گذر جوان از این حالت سردرگمی کمک کند، این سردرگمی نه تنها ناراحت کننده نیست بلکه مقدمه‌ای برای کسب هویت می‌باشد.

در رابطه با فرضیه‌های مربوط به مقایسه فراوانی افراد در انواع هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی، نتایج نشان داد که دانشجویان در بعد روابط بین فردی با هم تفاوت معنی‌دار دارند. و بالاترین فراوانی در این بعد در هویت‌های کسب شده و مهلت خواه دیده شد و نتایج در دانشجویان دختر و پسر یکسان بود. در مقایسه فراوانی افراد در انواع هویت در بعد اعتقادی نتایج تفاوت معنی‌دار در کل نمونه و دانشجویان دختر و پسر را مورد تأیید قرار داد. در این بعد دانشجویان پسر تنها در سه طبقه قرار گرفتند (سردرگم، مهلت خواه و کسب شده) و تنها ۱۸ نفر از افراد به عنوان هویت مشخص در گروه دانشجویان پسر شناسایی گردید.

دانشجویان دختر از این نظر ۳۳ نفر بودند و در چهار گروه هویت توزیع گردیدند، و بالاترین فراوانی را در هویت کسب شده داشتند. نتایج به دست آمده به یکسان بودن توزیع دانشجویان پسر در بعد اعتقادی و روابط بین فردی اشاره می‌کند. فراوانی هویت متمایز در هر دو بعد به هم نزدیک است (۱۸ و ۱۹) و نحوه توزیع در بعد اعتقادی و روابط بین فردی با هم مشابه و در حالت‌های هویت مهلت خواه و کسب شده فراوانی بیشتری دیده می‌شد. در مقایسه فراوانی دانشجویان دختر و پسر ملاحظه می‌شود که در بعد روابط بین فردی، از دختران ۱۸ نفر و از پسران ۸ نفر دارای هویت کسب شده داشتند. این نتیجه به تفاوت دختران و پسران و برتری دختران در بعد روابط بین فردی اشاره دارد. این نتایج ضرورت مطالعه بیشتر و همچنین ایجاد شرایط مناسب برای افزایش دقت هنگام پاسخ به پرسشنامه را مورد تأیید قرار می‌دهد. زیرا تعداد زیادی از پرسشنامه‌ها به دلیل بی دقتی افراد در پاسخ به آنها حذف گردیدند.

از سوی دیگر این نتایج به ضرورت توجه به موضوع هویت یابی و نحوه مداخله در آن با توجه به تفاوت‌های مشاهده شده در دختران و پسران و ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی، اشاره می‌کند. برنامه‌ریزی برای هویت یابی اعتقادی و روابط بین فردی در جوانان باید بر اساس مطالعات پیمایشی و آزمایشی در این خصوص باشد، که پژوهش حاضر آغازی برای این موارد است.

منابع

فارسی

- آرتور، اس. وبر (۱۳۶۸). فرهنگ روانشناسی، انتشارات رشد.
- آقا سلطانی، سوسن (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین هویت و خلاقیت در میان دانشجویان سال اول دانشگاه تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

لاتین

- Adams, Gerald, R. & Fitch, S.A. (1982). Ego stage identity status development cross sequential analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 43, 574-583.
- Adams, G.R. & Shea, J.A (1979). The relationship between identity status, locus of control, and ego development. *Journal of Youth and Adolescence*, 8, 81-89.
- Archer, Sally, L. (1989). Gender difference in identity development; issues of process, domain and timing. *Journal of Adolescence*, 12, 117-138.
- Baron, R.A. & Byrne, D. (1997). *Social Psychology*, Allyn and Bacon. USA.
- Bennion Layne, D., Adams, Gerald, R., (1986). A revision of the extended version of the objective measure of ego identity status: An identity instrument for use with late adolescent. *Journal of Adolescent Research*, Vol. 1, No. 2, 183-196.
- Bennion, L., Adams, G. & Huh, K. (1989). Objective measure of ego identity status: A reference manual. unpublished manuscript. university of Guelph.
- Berger, E.M. (1951). The relation between expressed acceptance of self and expressed acceptance of other. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 47: 778-782.
- Cronbach, L.J. (1951). Coefficient alpha and internal structure of test. *Psychometrika* 16: 297-334.
- Crown, D.P. & Marlow, D. (1960). A new scale of social desirability

- independent of psychology. *Journal of Consulting Psychology*, 24: 3, 349-354.
- Block, J. (1973). Conception of sex role: some cross-cultural and longitudinal perspectives. *American Psychologist*, 28, 512-526.
- Douvan, E., Adelson, J. (1966). *The adolescent experience*, New York: Wiley.
- Erikson, E.H. (1965). Inner and outer space: Reflections on womanhood in R.J. lifton (Ed.). *The woman in america*, Boston: Houghton Mifin 1965.
- Erikson, E.H. (1959). Identity and life cycle. *Psychological Issues*, 1, 1-171.
- Erikson, E.H. (1968). *Identity; Youth and crisis*, New York: Norton.
- Gilligan, C. (1982). *In a different voice: psychological theory and women's development*. Cambridge MA: Harvard university press.
- Goldhaber, D. (1986). *Life-Span human development*. Harcourt Brace Jovanovich: New York.
- Grotevant, H.D., Thirbecke, W.I. (1982). Sex defference in style of occupational identity formation in late adolescence. *Developmental psychology*, vol. 18.n. 3, 396-405.
- Jesselson, R., Grmberger, E. & Mcconochie, D. (1977). Phenomenological aspects of psychosocial maturity in adolescence. par II. Girls. *Journal of Yoynth and Adolescence*, 6, 146-167.
- Kalsner, L. (1996). The influence of development and emotional factor on success in college, *Higher Education Extension Service Review* (HEES): V. 3. No. 2.
- Katz, P.A. (1979). *The development of female identity*. *Sex Roles*, 5, 155-178.
- Klapp, O. (1969). *Collective Search for identity*, Holt, Reinhart and Winston, Inc.
- Lavoie, J.E. (1976). Ego identity formation in college students and working youth. *Developmental Psychology*, 13, 523-524.
- Pleck, J. (1973). Masculinity- Femintiy: Current and Alternative paradigms. *Sex Role*, 1, 161-177.
- Marcia, J.E. (1966). Development and Validation of Ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- Marcia, J.E. & Friedman, M.L. (1970). Ego identity status in college women.

- Journal of Personality*, 2, 249-263.
- Marcia, J.E. (1980). Identity and Adolescence. In J.E. Adelson (Ed), *Hand book for Adolescent psychology*. New York: Wiley.
- Marshal, S.K. (1999). *Bridging perspective: Conceptualizing fundamental processes of identity across disciplines*, srif, 6 A.C.
- Muuss, R. (1988). *Theories of Adolescence*. New York: Random House.
- Orlofsky, J.L. (1977). Sex-Role orientation, identity formation, and self esteem in college man and women. *Sex-Role*, 3: 561-575.
- Rosental, D.A., Gurney, R.M. & Moore, S.M. (1981). From trust to intimacy: A new inventory for examining erikson's stage of psychosocial development. *Journal of Youth and Adolescence*, 10, 525-537.
- SRIF. (1999). Society for research on identity formation, *six annual conference-retreat*. london ontario canada.
- Tzuriel, D. (1984). Sex Role Typing and Ego identity in Israeli, oriental, and western adolescents, *Journal of Personality and Social Psychology*. vol. 46, No. 2, 440-457.
- Webster, H., Sanford, N. & Freedman. M. (1955). A new instrument for studying authoritarianism in personality. *Journal of Psychology*, 40: 73-84.

دریافت مقاله: ۸۰/۱۲/۲۵

تاریخ بررسی مقاله: ۸۱/۱/۱۹

پذیرش مقاله: ۸۱/۳/۲۰